

تقدیم به  
پدر و مادر عزیزم که همواره مدیون آنها می‌مانم  
و  
تقدیم به همسر مهربان و صبورم که در شکل‌گیری  
این اثر همراهی فراوان نمود.

✍ مجید قدرتی پور

تقدیم به  
دکتر قیدی  
که پویایی و سرزندگی دوران تحصیل خود را مدیون او  
هستم.

✍ محمّد حسین حسینی

تا حالا فلسفه‌بافی کردین؟ مثل این که فلسفه زندگی چیه و یا چرا باید تو دنیا بی‌عدالتی وجود داشته باشه؟ امروز می‌خوام از موضوعی براتون بنویسم که هر از چندگاهی ذهنم شروع می‌کنه به فلسفیدن در موردش یا هر وقت یه خلأ یا اشتباهی یه جا می‌بینم ذهنمو درگیر می‌کنه. می‌خوام از جامعه‌ای براتون بگم که هیچ عیب و ایرادی نمی‌شه بهش وارد کرد، یه دنیای ایده‌آل که همه چی سر جای خودش، یا بهتر بخوام بگم همه چی در گل و بلبل‌ترین حالت ممکن به سر می‌بره ... تو فلسفه به این وضعیت می‌گن یوتوپیا یا همون آرمان‌شهر، بهش مدینه فاضله هم می‌گن. حتماً یکی از این‌ها رو شنیدین.

به نظر شما اصلاً چنین وضعیتی می‌تونه اتفاق بیفته؟ می‌شه هیچ وقت هیچ بجه‌ای گرسنه نباشه یا هیچ فسادی تو جامعه اتفاق نیفته؟

فلسفه به شما یاد می‌ده به هستی و چیستی اتفاق‌ها و پدیده‌ها فکر کنید و به اصطلاح، مدارج دانایی رو طی کنید یا این که آخرش مثل سقراط فریاد بکشید «نمی‌دانم» ...

شما سعی می‌کنید فلسفه رو توی زندگی روزمره‌تون به کار بگیرید؟ راجع به چیستی موجودات به فکر فرو برید و سخت بهش فکر کنید، مثلاً به فلسفه سیبی که از درخت می‌افته فکر می‌کنید؟ (الان که دارم خوب فکر می‌کنم می‌بینم نیوتون هم یه پا فیلسوف بوده) اگر این کارو می‌کنین همین الان هم در آستانه فیلسوف شدن هستین. اگر هم هنوز به این درجه نرسیدین با خوندن این کتاب حتماً به این درجه عالی دست خواهید یافت ...  
تشکر از مؤلف‌های خوبمون آقایان مجید قدرتی‌پور و محمدحسین حسینی که برای رسوندن این کتاب خیلی تلاش کردند و تشکر از همه دوستان خیلی سبز.

تفکراتون سبز

## به نام پروردگار حکیم

دوستان خوبم سلام، سلامی به بلندی تاریخ اندیشه و حکمت؛ خدای مهربان خود را شاکرم که به این ذره ناچیز در اقیانوس بی کران هستی، فرصتی داد تا آموخته‌های خود را به عزیزی چون شما تقسیم کند و امیدوارم که این تلاش، اولاً باعث پویایی ذهن، اندیشه و خرد شما گردد و ثانیاً در موفقیت‌های تحصیلی شما نقشی زریں و پرمقدار ایفا کند. از آن جا که فهم عمیق هر دانشی، نیازمند مرور اندیشه‌های پیشین و نظریات دانشمندان آن دانش می‌باشد، کتاب فلسفه یازدهم پنجره‌ای گشوده است تا نگاهی به جولان اندیشه‌ها در سرای تفکر فلسفی بیندازد.

از آن جا که موفقیت در آزمون‌های درس فلسفه، نیازمند فهم دقیق نظرات و توانایی تطبیق و مقایسه آن‌ها است، در این اثر کوشیده‌ایم تا با بهره‌گیری از چند بخش مهم، شما را در این زمینه یاری کنیم؛ بخش‌های اصلی این کتاب عبارت‌اند از:

**۱ درس‌نامه:** در این بخش علاوه بر پوشش همه نکات کتاب درسی، با استفاده از جداول، نمودارها و ... کمک کرده‌ایم تا درس‌ها به صورت مفهومی و تطبیقی آموخته شوند و در ذهن دانش‌آموز تثبیت گردند.

**۲ حالا تو بگو:** پس از ارائه درس‌نامه مفصل و کامل در هر بخش چند سؤال در کادر «حالا تو بگو» طرح کردیم تا شما با پاسخ‌دادن به آن‌ها مطمئن شوید که آن بخش درس را به طور کامل فراگرفته‌اید و آماده رفتن به بخش‌های جلوتر هستید.

**۳ خلاصه درس:** در این بخش مهم‌ترین نکات هر درس به طور خلاصه و در یک نمودار در اختیار شما قرار گرفته که می‌توانید برای تثبیت مطالب درس از آن بهره ببرید. ضمن این‌که این بخش مهم‌ترین یاور شما برای مرور سریع همه نکات دروس در ایام امتحانات هم هست.

**۴ سؤالات امتحانی:** مهم‌ترین بخش برای موفقیت در آزمون‌های درس فلسفه (چه امتحان نهایی - چه کنکور) مواجه‌شدن با سؤالات استاندارد و مفهومی است. ما در این بخش برای شما انواع سؤالات را با محوریت آزمون‌های نهایی آماده کردیم و برای غنی‌تر شدن این بخش سؤالات چالشی بسیار مهمی رو با نام «جت» طراحی کردیم که بیشتر آن سؤالات از آزمون کنکور برداشت شدند و به سؤال تشریحی تبدیل شدند و می‌توانند شما را برای آزمون‌های مهمی به خوبی آماده کنند.

**۵ پاسخ‌های تشریحی:** در این بخش به صورت کاملاً تشریحی به تک‌تک سؤالات امتحانی طرح‌شده در هر درس پاسخ داده شده و شما می‌توانید با مرور این بخش هم به پاسخ سؤالات دست پیدا کنید و هم نکات پیچیده‌ای که در سؤالات برای شما آماده کرده بودیم را یاد بگیرید.

**۶ آزمون‌های تشریحی:** قطعاً آمادگی برای آزمون‌های نهایی فقط و فقط با حل چند نمونه آزمون شبیه‌ساز امتحان نهایی کامل می‌شود. ما هم برای این‌که شما در فرایند موفقیت، هیچ کم و کسری نداشته باشید چندین آزمون با سؤالات مفهومی و چالشی و کمی سخت‌تر از امتحانات نهایی با پاسخ‌نامه کامل تشریحی در انتهای کتاب قرار داده‌ایم.

همه این تلاش‌ها برای آن بود که شما فرزندان سرزمین عزیزم، بر بلندترین سکوهای افتخار قدم بگذارید. در پایان بر خود وظیفه می‌دانم که از همه عزیزی که در شکل‌گیری این اثر سهیم بوده‌اند تشکر و تقدیر کنم. از همکاران مؤسسه محترم خیلی‌سبز که با برنامه‌ریزی دقیق، صبر و تحمل مسئولیت‌پذیرانه و پشتکار و جدیت در جهت بهبود کیفیت محتوایی و ظاهری کتاب کوشیدند، به‌ویژه سرکار خانم قموشی که صبورانه پروژه تألیف را تا انتها به پیش بردند تشکر و سپاسگزاری نمایم.

به امید روزی که با دستان امام حکمت و خرد، درخت عقل بشری ثمر دهد و سکه حکمت و خرد در میان انسان‌ها رایج‌ترین گردد.

**دانش‌آموز همیشگی**

**مجید قدرتی‌پور**

# فهرست

## درس‌ها

۸	درس اول: هستی و چیستی
۱۵	درس دوم: جهان ممکنات
۲۱	درس سوم: جهان علی و معلولی
۳۱	درس چهارم: کدام تصویر از جهان؟
۳۸	درس پنجم: خدا در فلسفه (۱)
۴۷	درس ششم: خدا در فلسفه (۲)
۵۶	درس هفتم: عقل در فلسفه (۱)
۶۴	درس هشتم: عقل در فلسفه (۲)
۷۲	درس نهم: آغاز فلسفه در جهان اسلام
۸۰	درس دهم: دوره میانی
۸۹	درس یازدهم: دوران متأخر
۹۹	درس دوازدهم: حکمت معاصر

## پاسخ‌نامه تشریحی

۱۰۸	پاسخ سؤال‌های امتحانی
-----	-----------------------

## امتحانات

۱۲۸	مشاوره شب امتحان
۱۲۹	امتحان نوبت اول (آزمون شماره ۱)
۱۳۱	پاسخ سؤال‌های امتحانی نوبت اول (آزمون شماره ۱)
۱۳۲	امتحان نوبت اول (آزمون شماره ۲)
۱۳۴	پاسخ سؤال‌های امتحانی نوبت اول (آزمون شماره ۲)
۱۳۵	امتحان نوبت دوم (آزمون شماره ۳)
۱۳۷	پاسخ سؤال‌های امتحانی نوبت دوم (آزمون شماره ۳)
۱۳۸	امتحان نوبت دوم (آزمون شماره ۴)
۱۴۰	پاسخ سؤال‌های امتحانی نوبت دوم (آزمون شماره ۴)
۱۴۱	امتحان نوبت دوم (آزمون شماره ۵)
۱۴۳	پاسخ سؤال‌های امتحانی نوبت دوم (آزمون شماره ۵)
۱۴۴	امتحان نوبت دوم (نهایی خرداد ۱۴۰۳)
۱۴۶	پاسخ سؤال‌های امتحانی نوبت دوم (نهایی خرداد ۱۴۰۳)

# درس نامہ 9 سوالات امتحانی

# درس ۱: هستی و چیستی

**سلام رفقا!** هالتون چه طوره؟ آماده‌اید با هم مرزهای فلسفه رو بپایه‌ها کنیم؟ برو بریم ...

قبل از شروع درس اول از تون می‌خوام هواستون باشه پار سال پیا فوندریم. اوایل سال به ذره در مورد دانش فلسفه، هستی‌شناسی و مسائل بنیادی پیرامون وجود صحبت کردیم. بعرض کم رفقیم سراغ معرفت‌شناسی و موضوع موهبی به نام «شافت»؛ همون‌ها هم اسم پندتا فیلسوف و مکتب فلسفی رو یاد گرفتیم که اتفاقاً امسال هم با بعضیاشون حسابی کار داریم. اول می‌فوییم به ذره بیشتر در مورد «وجود» و موهودات اطرافمون صحبت کنیم و بعرض هم پیردازیم به موضوع هژایی به نام «علیت». ولی طبیعتاً قبل از این‌که کارمونو شروع کنیم باید یک سری پیش‌نیازها رو تو این درس و درس بعری پاس کنیم.

## هستی و چیستی

همه‌ما با دو مفهوم «هستی» (= وجود) و «چیستی» (= ماهیت) آشنا هستیم و بارها و بارها از آن‌ها استفاده کرده‌ایم، چون از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌ها است؛ مثال: در موابوه با یک غذای مملی چرید از فودمون می‌پرسیم «این رنگه چیه؟» یا مطمئناً فیلیامون به این مسئله فکر کردیم که آدم فضایی‌ها وجود دارن یا نه. فلاسفه علاقه خاصی به درک این دو مفهوم پرکاربرد و رابطه میان آن‌ها دارند. به همین خاطر گام‌هایی را برای درک بهتر آن دو طی می‌کنند که ما در این درس به آن‌ها می‌پردازیم.

**گام اول (قبول واقعیت و امکان شناخت آن)** همه‌ما از زمان کودکی با واقعیت‌های اطرافمان روبه‌رو شده و نسبت به آن‌ها شناخت پیدا کرده‌ایم؛

**مثال:** هنگام گرسنگی و تشنگی به سراغ غذا و آب رفته‌ایم.

هنگام ناراحتی، با دلداری عزیزانمان روحیه خود را بازیافته‌ایم.

مطمئناً اگر «غذا» و «آب» وجود نداشتند، ما نمی‌توانستیم خواص آن‌ها را بشناسیم و برای رفع عطش و گرسنگی از آن‌ها استفاده کنیم. این الگوی رفتاری فطرتاً در ما وجود دارد و بارها در زندگی ما تکرار می‌شود:

شکل‌گیری نیاز (تشنگی) ← استفاده از ابزار و وسایل پیرامونمان (آب و لیوان) ← رسیدن به هدف (رفع عطش)

این رفتار طبیعی بیانگر آن است که می‌دانیم در اطراف ما چیزهایی واقعی وجود دارند که می‌توانیم آن‌ها را بشناسیم و برحسب نیاز از آن‌ها استفاده کنیم. به بیان دیگر ما انسان‌ها می‌دانیم که اشیا و موجوداتی پیرامون ما وجود دارند و می‌توانیم به آن‌ها علم پیدا کنیم.

فب معلومه رنگه!! آله دور و بر ما پیزی وجود نداشت چه پوری می‌فواستیم زندگی کنیم؟ با پیزی تفیلی و ذهنی که نمی‌شه امرار معاش کرد ... کی تا الان تونسته با فکر کردن به

آب سیراب بشه یا با تمور کردن پول، میلیاردر بشه؟!

هالا تمرین زیر رو حل کنید که مطلب قشنگ براتون با پیفته:

## حالا تو بگو

۱- این‌که هنگام گرسنگی و تشنگی به سراغ غذا و آب می‌رویم یا هنگام غم و اندوه به آغوش عزیزانمان پناه می‌بریم، کدام اصل فلسفی را به خاطر می‌آورد؟

۲- همه‌ما از زمان کودکی با ..... پیرامونمان روبه‌رو شده و نسبت به آن‌ها ..... پیدا کرده‌ایم.

**پاسخ:** ۱ یادآور این است که می‌دانیم در اطراف ما چیزهایی واقعی وجود دارد که برحسب نیاز از آن‌ها استفاده می‌کنیم و نیازمان را برطرف می‌سازیم.

(در فلسفه، به این اصل که ما اشیا و اطرافمان را واقعی می‌دانیم، «اصل واقعیت مستقل از ذهن» می‌گویند). ۲ واقعیت‌های / شناخت (علم)

**گام دوم (تفاوت مفهومی هستی و چیستی)** کودکی را در باغ وحش تصور کنید که در مورد چیستی (ماهیت) حیوانات مختلف از پدر خود سؤال می‌کند

و می‌خواهد اطلاعات بیشتری در مورد این موجودات به دست آورد. طبیعتاً این کودک برای بیان خواسته خود، به حیوانات مختلف اشاره می‌کند و می‌پرسد: «کودک، پدر! این چیست؟»

پدر: «نام این موجود زرافه است که گردن بلندی دارد و به کمک آن می‌تواند از برگ درختان تغذیه کند و ...»

همین رفتار کودک نشان می‌دهد که او از قبل می‌داند که آن حیوانات وجود دارند (چراکه به آن‌ها اشاره می‌کند) اما ماهیت (چیستی) آن‌ها برایش مشخص نیست. این مثال ساده نشان می‌دهد که:

۱. دو مفهوم «هستی» و «چیستی» با یکدیگر متفاوت‌اند.

۲. همین که با لفظ «این» یا «آن» به چیزی اشاره می‌کنیم یعنی به هستی‌اش پی برده‌ایم.

۳. وقتی می‌گوییم «چیست؟» یعنی چیستی (ماهیت) آن چیز را نمی‌دانیم و در پی دانستن آن هستیم.

اشیای پیرامون ما و موجوداتی که به نحوی از وجودشان اطلاع داریم (مانند سیاره‌هایی که تنها با تجهیزات پیشرفته قابل رؤیت هستند یا موجودات غیرمادی همچون فرشتگان) یعنی همه‌موجودات جهان در یک ویژگی مشترک هستند: وجود داشتن

از طرف دیگر، همه‌ما می‌دانیم که اشیا و موجودات پیرامون ما ویژگی‌های خاصی دارند که آن‌ها را از سایر موجودات متمایز می‌کند؛ مثلاً «تخت‌خواب» و «پنجره» ویژگی‌ها، خواص و در نتیجه کاربردهای متفاوتی دارند. در فلسفه و منطق به ویژگی‌های خاص هر موجود، «ذاتیات» گفته می‌شود و هنگامی

که از «چیستی» (ماهیت) سخن می‌گوییم منظورمان همان ذاتیات ویژه هر چیز است. (چیستی = ماهیت = ذات)

پس کودکی که در باغ وحش در مورد چیستی حیوانات سؤال می‌پرسد، در اصل در پی دانستن ذاتیات و ماهیت خاص آن حیوانات است؛ به عنوان مثال می‌خواهد بداند که فرق پلنگ و ببر در چیست یا این که چه ویژگی‌هایی باعث می‌شود پلنگ از ببر جدا شود؟ پس به طور خلاصه می‌توان به دو نکته کلیدی در این باره اشاره کرد:

۱ انسان در هر چیزی که مشاهده می‌کند، دو جنبه می‌یابد: «موجود بودن» و «چیستی داشتن».

فقط هواستون باشه الان داریم درباره «موجودات» حرف می‌زنیم، نه مفاهیم خیالی و غیرواقعی!!

۲ «وجود» وجه مشترک موجودات است و «ماهیت» وجه اختصاصی آن‌ها.

هواستون باشه داریم در مورد «موجودات» حرف می‌زنیم، نه مفاهیم خیالی مثل سوپرمین و مرد عنکبوتی!! اون‌ها که اصلاً وجود ندارند. چیزهایی که موجودن، مثل من و شما و این کتاب، به ماهیت مشترک دارن که همون موجود بودنشونه. ولی معلومه که ذاتیاتشون و در نتیجه ماهیتشون با هم فرق داره و همین می‌شه وجه افتخامیشون.

## حالا تو بگو

۱- هنگامی که کودک می‌پرسد: «این چیست؟» لفظ «چیست» نشان می‌دهد که او در پی دانستن ..... آن شیء است.

۲- وقتی می‌پرسیم «این چیست؟» لفظ «این» نشان می‌دهد که به ..... آن پی برده‌ایم.

۳- رفتار کنجکاوانه کودکان نشان می‌دهد که آنان درکی از مفهوم «وجود» و «ماهیت» ندارند. (صحیح / غلط)

۴- منظور از ذاتیات یک مفهوم چیست؟

**پاسخ:** ۱ ماهیت (یا همان چیستی) ۲ هستی (وجود) ۳ نادرست؛ رفتار کنجکاوانه و پرسشگرانه کودکان نشان می‌دهد که آنان از قبل با دو مفهوم «هستی» و «چیستی» آشنا هستندند. ۴ همان ویژگی‌های مخصوص و منحصر به فردی است که موجب تمایز آن مفهوم با سایر مفاهیم می‌شود که به آن ماهیت می‌گویند.

به مثال‌های زیر دقت کنید:

۱ در اطراف ما اشیای فراوانی وجود دارند که هم «ماهیت» آن‌ها را می‌شناسیم و هم از «وجود»شان خبر داریم؛ مانند درخت و کوه که همگی می‌دانیم وجود داشته (وجه اشتراک موجودات) و ذاتیات مخصوص خود را دارند (وجه اختصاصی موجودات) و به همین خاطر با یکدیگر متفاوت‌اند.

۲ گاهی با چیزهایی روبه‌رو می‌شویم که از «هستی»شان خبر داریم اما «ماهیت» آن‌ها به خوبی برای ما روشن نیست؛ مثال کودکی که به باغ وحش رفته بود، نمونه بارز این حالت است. یا هنگامی که شما سایه‌ای را در دوردست می‌بینید، متوجه وجود چیزی می‌شوید که سایه متعلق به آن است، اما ماهیت آن چیز برایتان مشخص نیست. *هواستون باشه که تو این حالت هم اون شیء نامشخص، ماهیت داره (اصلاً ممکن نیست شیئی ماهیت نداشته باشه)، صرفاً ما ماهیتش رو نمی‌دونیم!* یعنی می‌دانیم که چیزی هست، ولی نمی‌دانیم که چیست؟

۳ هم‌چنین می‌توانیم «ماهیت»های فراوانی را تصور کنیم که می‌دانیم حداقل تاکنون «وجود» نداشته‌اند؛ مانند خیلی از شخصیت‌های داستانی و سینمایی. شاید در ذهنمان تصویری درباره شخصیت‌هایی همچون دیو، شیر سه‌سر، اژدها، بتمن، سوپرمین، مرد عنکبوتی یا میکی‌ماوس داشته باشیم (یعنی هر کدام از آن‌ها ذاتیات مخصوص خود را دارند و ما هیچ‌گاه آن‌ها را با یکدیگر اشتباه نمی‌گیریم)، اما می‌دانیم که در حال حاضر وجود خارجی ندارند. همه این مثال‌ها نشان می‌دهند که وجود و ماهیت دو مفهوم مجزا و متفاوت هستند.

**گام سوم (تمایز ذهنی و وحدت مصداقی هستی و چیستی)** فارابی، فیلسوف بزرگ مسلمان، به رابطه میان «وجود» و «ماهیت» توجه ویژه‌ای کرد و درباره تمایز میان این دو مفهوم، نکاتی را مطرح نمود. این سینه راه او را ادامه داد و بیان کرد وقتی که می‌گوییم «هستی» و «چیستی» دو مفهوم از یک چیزند، به این معنا نیست که آن‌ها دو جزء از یک موجودند که با هم ترکیب یا جمع شده‌اند، بلکه به این معنا است که این دو مفهوم اگر چه با یکدیگر متفاوت‌اند (گام دوم) اما در جهان خارج، در قالب یک مصداق واحد تجسم می‌یابند.

**یادآوری:** این شگله رو یادته؟ آگه فوب یادت باشه سال دهم فونده بودیم «مفهوم»

ما بازاری ذهنی مصداق و «مصداق» ما بازاری فارچی مفومه. پس پایگاه مفهوم در ذهن و پایگاه مصداق در خارج از ذهنه؛ مثلاً در هیوان فارچ موجودی داریم به نام «درخت»؛ ذهن ما آدما این طوری کار می‌کنه که برای هر موجود فارچی یک تصور ذهنی درست می‌کنه (یا به عبارتی مفهوم‌سازی می‌کنه) و هر وقت اون موجود فارچی رو می‌بینه یا اسمشو می‌شنوه یاد اون تصور می‌افته. به عبارت دیگه، به هر شیء فارچی که مفهوم بر اون صدق کنه مصداق می‌گوییم. حالا فرق مفهوم و مصداق رو یادت اومد؟

همه اشیا و موجودات مادی، قابل تقسیم به بخش‌های کوچک‌تر هستند؛ مثلاً می‌توان قطعات تلفن همراه را از یکدیگر جدا کرد. هم‌چنین هر کدام از آن قطعات نیز قابل تقسیم به ذرات ریزتر هستند و به همین شکل تا زمانی که به ساختار مولکولی آن‌ها برسیم می‌توان این تقسیم را ادامه داد. به هر کدام از این اجزا یک جزء (بخش، قسمت، تکه یا ...) از آن شیء اصلی گفته می‌شود.

نکته اصلی این جاست که وجود و ماهیت دو جزء یک شیء نیستند، بلکه دو جنبه (حیثیت، وجه یا دو مفهوم مختلف از یک چیز) از آن هستند. مثال؛ شما هیچ وقت نمی‌تونی بگی «هستی» تلفن همراه این طرفه یا «چیستی» تلفن همراه تو این بخشش قرار گرفته، اصطلاحاً وجود و ماهیت متعلق به کل تلفن همراهن، نه بخش‌های مختلف اون.

از نگاه علم شیمی: آب ترکیبی از دو عنصر هیدروژن و اکسیژن است؛ یعنی اکسیژن و هیدروژن دو جزء اصلی مولکول آب هستند.

از نگاه فلسفه: آب موجودی واحد است که انسان دو مفهوم مختلف چیستی و هستی را از همین موجود به دست می‌آورد.

این یعنی در جهان خارج یک مصداق واحد (آب) وجود دارد و ما در ذهنمان دو مفهوم متفاوت از آن دریافت می‌کنیم:

- ۱ مفهوم وجود (هستی) یعنی می‌روئیم که آب وجود دارد.  
 ۲ مفهوم ماهیت (چیستی) یعنی می‌روئیم که آب بیه و په فصوصیاتی دارد.  
 پس «وجود آب» و «آب‌بودن» دو مفهوم مختلف از یک موجود واحد (آب) هستند. یا به عبارت دیگر «هستی آب» و «چیستی آب» در ذهن ما دو مفهوم متفاوت‌اند که در عالم خارج دارای یک مصداق واحد هستند. و اگر بخواهیم گام سوم را در یک عبارت خلاصه کنیم، این چنین می‌شود: وجود و ماهیت در ذهن از یکدیگر جدا می‌شوند، ولی در واقعیت از هم جدا نمی‌شوند.  
 بهتر است برای آشنایی با اصطلاحات مختلف این دو عبارت را هم یاد بگیریم:

- ۱ مغایرت (غیریت) وجود و ماهیت در ذهن  
 ۲ عینیت (وحدت) وجود و ماهیت در خارج یا واقعیت

### حالا تو بگو

۱- در عالم خارج ..... «وجود» و «ماهیت» شیء را تفکیک کرد.

(۲) نمی‌توان

(۱) می‌توان

۲- چگونه ممکن است که «وجود» و «ماهیت» دو مفهوم مغایر و در عین حال تفکیک‌ناپذیر تلقی شوند؟ (با ذکر مثال)

**پاسخ:** ۱ گزینه «۲»؛ نمی‌توان. تفکیک این دو مفهوم تنها در ذهن امکان‌پذیر است. ۲ تفاوت و مغایرت این دو مفهوم در ذهن و از جهت ماهیت است اما در عالم خارج در قالب یک مصداق واحد تحقق می‌یابند. به عنوان مثال «درخت» دارای یک مصداق خارجی واحد و یکسان است، اما می‌توانیم در ذهنمان «ماهیت درخت» و «وجود درخت» را تفکیک کرده و جداگانه بررسی کنیم. یا مثلاً می‌توانیم چیزی (ماهیتی) را تصور کنیم که هنوز وجود پیدا نکرده است.

**گام چهارم (یکی از دلایل مغایرت وجود و ماهیت)** همان‌طور که گفتیم این سینا تأکید بسیاری بر تفاوت دو مفهوم وجود و ماهیت داشت و اسم این نظریه خود را «مغایرت وجود و ماهیت» گذاشت و برای اثبات آن دلایلی هم ذکر کرد که یکی از آن‌ها را بررسی می‌کنیم.

۱ هنگامی که قصد تعریف یک مفهوم را داریم به ناچار باید از مفاهیم دیگر استفاده کنیم. به عنوان مثال در تعریف «مثلث» می‌گوییم «مثلث شکل سه‌ضلعی است» که در این تعریف از دو مفهوم «شکل» و «سه‌ضلعی» استفاده شده است.

در فلسفه برای هر مفهوم، تعریف مشخصی وجود دارد و به مفاهیمی که از آن‌ها برای تعریف مفهوم مورد نظر استفاده می‌کنیم، «اجزای تعریفی» آن مفهوم گفته می‌شود؛ پس در مثال قبل، «شکل» و «سه‌ضلعی» اجزای تعریفی مثلث هستند.

**نکته:** هر مفهوم را می‌توان به شکل‌های مختلفی تعریف کرد، اما برای امتحان نهایی این تعاریف پرکاربرد را به خاطر بسپارید:

۱ انسان = حیوان ناطق  
 ۲ مثلث = شکل سه‌ضلعی

۳ متوازی‌الاضلاع = شکل چهارضلعی با اضلاع دوه‌دو موازی  
 ۴ جیوه = فلز مایع

۵ لوزی = شکل چهارضلعی با اضلاع برابر  
 ۶ مستطیل = شکل چهارضلعی با زوایای قائمه

۷ مربع = شکل چهارضلعی با اضلاع برابر و زوایای قائمه  
 ۸ خفاش = حیوان پستاندار پروازکننده

حال دریافتیم که در مثال «مثلث شکل سه‌ضلعی است»، «شکل» و «سه‌ضلعی» همان اجزای تعریفی مثلث هستند و چیستی آن را تشکیل می‌دهند و بیان‌کننده ذات و حقیقت مثلث می‌باشند (یا به بیان ساده‌تر، ماهیت آن را برای ما مشخص می‌کنند). خلاصه این که «مثلث» و «شکل سه‌ضلعی» دو مفهوم جدایی‌ناپذیرند و اصولاً لفظ «شکل سه‌ضلعی» برای تعریف مثلث به کار می‌رود و امکان ندارد مثلی پیدا شود که شکل سه‌ضلعی نباشد و بالعکس.

۲ از آن‌جا که «شکل سه‌ضلعی» همان حقیقت و ذات «مثلث» است، حمل «شکل سه‌ضلعی» بر «مثلث» نیاز به دلیل ندارد؛ یعنی اگر در یک قضیه حملی بگوییم «مثلث شکل سه‌ضلعی است»، کسی نباید از ما دلیل بخواهد و ما هم نیازی به اثبات این حقیقت نداریم. هم‌چنین حمل هر کدام از اجزای تعریفی مثلث بر مثلث یا حمل مترادف‌های آن نیز نیاز به دلیل ندارد. به نمودار زیر دقت کنید:

در دو نوع قضیه، نیازمند دلیل نیستیم  
 حمل ویژگی ذاتی یا اجزای تعریفی شیء بر خودش  
 حمل مفهوم مترادف بر خودش

**مثال:** انسان، حیوان است. انسان، بشر است.

به قضایایی که حمل در آن‌ها نیازمند به دلیل نیست، حمل اولی ذاتی می‌گویند.

### حالا تو بگو

۱- در قضیه «انسان حیوان ناطق است»، اجزای تعریفی مفهوم تعریف‌شده را مشخص کنید.

(۲) حیوان

(۱) دوبا

۲- حمل کدام مفهوم بر «انسان» نیازمند دلیل است؟

**پاسخ:** ۱ «حیوان» و «ناطق» ۲ گزینه «۱»؛ حمل «دوبا» بر انسان نیازمند دلیل است، در حالی که حمل «حیوان» بر انسان نیازی به دلیل ندارد.

۳ اما رابطه دو مفهوم «مثلث» و «وجود» این‌گونه نیست. برای این که مفهوم «وجود» را بر «مثلث» حمل کنیم، نیازمند دلیل هستیم تا بتوانیم بگوییم «مثلث موجود است». حال ممکن است این دلیل از طریق حس و تجربه شناسایی شود (مثلاً با چشمان ببینیم که چنین چیزی وجود دارد) یا از طریق عقل محض. همه ماهیت‌ها نسبت به مفهوم «وجود» همین حالت را دارند. (به قضایایی که حمل در آن‌ها نیازمند دلیل است، شایع صناعی می‌گویند.)

پس «مثلث» به عنوان یک چیستی با «وجود» مغایر است و رابطه ذاتی میان آن‌ها برقرار نیست. به همین سبب برای حمل وجود بر ماهیت نیازمند دلیل هستیم. به طور کلی هرگاه بخواهیم یک ویژگی که جزء اجزای تعریفی (ذاتی) شیء نیست را بر آن شیء حمل کنیم، به دلیل نیازمند هستیم.

**مثال:** انسان موجود است. انسان شاعر است. انسان نویسنده است. مثلث قائم‌الزاویه است.



**سؤال:** اگر مفهوم «وجود» عین مفهوم «ماهیت» یا جزء آن بود، آیا مشکل و مسئله‌ای پیش می‌آمد؟

**پاسخ:** بله! اگر «وجود» بخشی از ماهیت باشد، هر ماهیتی بدون استثنا موجود است. به عبارت دیگر، وجود مانند اجزای تعریفی هر مفهوم، ضرورت ذاتی پیدا می‌کند و همین که ما می‌توانیم ماهیتی را تصور کنیم؛ یعنی آن ماهیت همواره وجود داشته است. با این فرض، مفاهیم خیالی مانند دیو، هری پاتر، بتمن، اژدهای سه‌سر، کارآگاه گجت و ... صرف این که قابل تصور هستند و ماهیتی دارند، یعنی وجود خارجی نیز دارند؛ (اما می‌دانیم که آن‌ها وجود خارجی ندارند؛ پس فرض اولیه‌مان اشتباه است.)

اگر مفهوم «وجود» عین مفهوم «ماهیت» باشد، علاوه بر مشکل بالا مشکل دیگری هم به وجود می‌آید. از آن‌جا که «وجود» وجه مشترک واقعیات است، با فرض یکسان بودن مفهوم «وجود» و «ماهیت»، همه ماهیت‌ها یکسان می‌شدند؛ یعنی هیچ تفاوتی بین مار، گربه، صندلی، ابر و ... وجود نمی‌داشت که طبیعتاً چنین چیزی غیرممکن است. هم‌چنین اگر وجود عین ماهیت باشد، حمل وجود بر ماهیت به دلیل نیاز نداشت و اثبات وجود هیچ چیز نیازمند استدلال نبود.

موضوع «مغایرت وجود و ماهیت» که ابن سینا تأکید زیادی روی آن داشت، بحث بسیار کلیدی و مهمی در تاریخ اندیشه اسلامی و حتی تاریخ تفکر در اروپا بوده است. به طوری که گفته‌اند «فرق بین ماهیت و وجود بی‌تردید یکی از اساسی‌ترین آرا و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی است». این نظر، پایه‌ی یکی از برهان‌های ابن سینا در اثبات وجود خدا (به نام برهان «وجوب و امکان») نیز است، که در درس‌های آینده آن را بررسی خواهیم کرد.

### گذری به غرب

#### توماس آکوئیناس

- ➊ یک فیلسوف بزرگ اروپایی بود.
- ➋ پس از آشنایی با فلسفه ابن سینا اصل «مغایرت وجود و ماهیت» را در اروپا گسترش داد.
- ➌ زمینه‌ساز گفت‌وگوهای فکری و فلسفی فراوانی در اروپا شد.
- ➍ همچون ابن سینا اصل «مغایرت وجود و ماهیت» را پایه برهان‌های خود در خداشناسی قرار داد.
- ➎ پایه‌گذار مکتب فلسفی «تومیسیم» در اروپا شد که هنوز هم به نام وی در جریان است.

#### فلسفه تومیسیم:

- ➊ عمدتاً متکی بر آرای فلاسفه اسلامی است.
- ➋ ابن سینا بیشترین تأثیرگذاری را روی آن داشته است.
- ➌ تا حدودی هم تحت تأثیر ابن رشد بوده است.
- ➍ از طریق آن فلاسفه غرب توانستند با اندیشه‌های فلسفی ابن سینا و ابن رشد آشنا شده و از این طریق مجدداً با فلسفه ارسطویی ارتباط برقرار کنند، چراکه فلسفه ابن سینا و فارابی تأثیر بسیاری از آرای ارسطو پذیرفته بود. (در درس‌های ۹ و ۱۰ در این‌باره صحبت خواهیم کرد.)
- ➎ اصل «مغایرت وجود و ماهیت» مورد توجه فلاسفه مسلمان نیز قرار گرفت و زمینه‌ساز گفت‌وگوهای مهم فلسفی در جهان اسلام نیز گردید که تا امروز هم ادامه یافته است.

### حالا تو بگو

- ۱- اندیشمندان اروپا به واسطه فلسفه ..... که ساخته یکی از فلاسفه قرن ۱۳م. بود، مجدداً با آرای ارسطو آشنا شدند.
- ۲- ..... زمینه‌ساز بحث‌های فراوانی در اروپا شد.
- ۳- دو نمونه از فلاسفه‌ای که بر دیدگاه توماس آکوئیناس تأثیر بسیاری گذاشتند را نام ببرید.

**پاسخ:** ۱ تومیسیم ۲ گزینۀ «۱» ۳ ابن سینا و ابن رشد

### به کار ببندیم

- ۱- قضیه «انسان موجود است.» را با کدام‌یک از قضایای زیر می‌توان مقایسه کرد؟
    - (۱) انسان بشر است.
    - (۲) انسان حیوان است.
    - (۳) انسان مخلوق است.
- پاسخ:** گزاره «۳»، در گزاره «انسان موجود است.» مطابق گام چهارم، حمل «وجود» بر «انسان» نیازمند دلیل است.
- گزاره ۱: «بشر» مترادف «انسان» است و حمل مترادف‌های یک مفهوم بر خودش نیاز به دلیل ندارد.
- گزاره ۲: «حیوان» از اجزای تعریفی «انسان» است و حمل آن بر انسان نیاز به دلیل ندارد.
- گزاره ۳: «مخلوق» اگرچه از صفات انسان است و همه انسان‌ها مخلوق هستند، اما برای تشخیص نوع حمل در این‌گونه سؤالات، تنها به تعریف قراردادی انسان در کتاب درسی توجه می‌کنیم که همان «حیوان ناطق» است. بر این اساس، حمل «مخلوق» بر «انسان» نیازمند دلیل است.
- ۲- شیعی علی و محمد در حال گفت‌وگو بودند. از دور سایه‌ی چیزی شبیه یک حیوان نشسته را دیدند. علی گفت: آن یک سگ است، ولی محمد گفت: آن یک گرگ است. وقتی کمی نزدیک‌تر شدند، دیدند نه سگ است و نه گرگ، بلکه یک تخته سنگ است!
- به نظر شما چه نتیجه‌ای می‌توان در مورد نسبت میان چیستی و هستی گرفت؟

**پاسخ:** هر دوی آن‌ها هنگام دیدن سایه به «هستی» آن شیء پی برده بودند، اما «چیستی» آن برایشان نامعلوم بود. آن‌ها سعی کردند ماهیت آن را حدس بزنند اما دچار خطا شده و کمی بعد به خطای خود پی بردند. همه ما ممکن است گاهی اوقات از هستی برخی چیزها باخبر باشیم اما چیستی‌شان را ندانیم و این موضوع یکی از دلایل مغایرت وجود و ماهیت است.

۳- به گزاره‌های زیر توجه کنید و بگویید حمل کدام یک از محمول‌ها بر موضوع‌ها نیازمند دلیل است و چرا.

- ۱) انسان حیوان است.      ۲) انسان شیر است.      ۳) انسان عجول است.  
 ۴) انسان ناطق است.      ۵) انسان موجود است.

**یادآوری:** در منطق دهم فوایدیم که در یک جمله استاری (با سافتار «الف ب است.») نهاد (الف) را «موضوع» و مسند (ب) را «معمول» می‌نامیم.

**پاسخ:** گزاره‌های ۱ و ۴: «حیوان» و «ناطق» از اجزای تعریفی «انسان» هستند و حمل آن‌ها بر «انسان» نیازمند دلیل نیست.

گزاره‌های ۲، ۳ و ۵: همین که بدانیم «شیر»، «عجول» و «موجود» از اجزای تعریفی انسان نیستند، برای تشخیص نوع حمل کافی است. هیچ کدام از این مفاهیم از ذاتیات انسان نیستند و لذا حمل آن‌ها بر «انسان» نیازمند دلیل است.

۴- آیا در قضیه «مثلث سه ضلعی است.» حمل محمول بر موضوع نیازمند دلیل است؟ چرا؟

**پاسخ:** خیر، چون «سه ضلعی» از اجزای تعریفی «مثلث» است و جزء ذاتیات آن محسوب می‌شود. طبیعتاً حمل ویژگی ذاتی یک چیز بر خود آن نمی‌تواند نیازمند دلیل باشد. این کار درست مثل این می‌مونه که به یه انسان بگی: «پرا تو انسانی؟ پرا مثلاً درفت نیستی؟»

## خلاصه مهم‌ترین نکات درس ۱

● بحث درباره دو مفهوم وجود و ماهیت و نسبت بین آن‌ها که یکی از مباحث اولیه فلسفه است.

قدم اول ← ما انسان‌ها می‌دانیم که اشیا و موجوداتی پیرامون ما وجود دارند و می‌توانیم به آن‌ها علم پیدا کنیم.

● استفاده ما از اشیای اطراف نشان می‌دهد که در اطراف ما چیزهایی واقعی هست که ما برحسب نیاز از آن‌ها استفاده می‌کنیم.

قدم دوم ← هر کس با استفاده از عبارت «این چیست؟» یا «آن چیست؟» نشان می‌دهد که به وجود اشیا پی برده است، ولی ماهیت یا چیستی آن را نمی‌داند.

➔ **نکته: ۱** ماهیت هر شیء بیان‌کننده ذاتیات آن شیء است. (ذاتیات یعنی ویژگی‌های مخصوص هر شیء که آن را از دیگر موجودات آن دسته جدا می‌کند).

۲) انسان در هر چیزی که مشاهده می‌کند، دو جنبه می‌یابد: وجود، ماهیت.

۳) وجود وجه مشترک اشیا و ماهیت وجه اختصاصی آن‌ها است.

قدم سوم ← وجود و ماهیت دو جنبه از شیء هستند، نه دو جزء تشکیل‌دهنده آن.

● وجود و ماهیت در ذهن از یکدیگر جدا می‌شوند، ولی در خارج از هم جدا نمی‌شوند.

حمل چیزی بر خودش: انسان بشر است.

قدم چهارم ← حمل بر موضوع به ۲ دسته تقسیم می‌شود: بی‌نیاز از دلیل } حمل ویژگی ذاتی چیزی بر خودش: انسان حیوان ناطق است. }  
 نیازمند به دلیل مثال: انسان شاعر است. انسان موجود است.

➔ **نکته:** حمل وجود بر هر ماهیتی نیازمند دلیل است، چون وجود از اجزای تعریفی (ذاتی) هیچ ماهیتی نیست.

● در فلسفه اسلامی ابن سینا و در اروپا توماس آکوئیناس بحث مغایرت وجود و ماهیت } پایه بحث‌های خدانشناسی

## (پاسخ در صفحه ۱۰۹)

## سؤال‌های امتحانی



الف) تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام یک غلط می‌باشد.



(نهایی فرداد ۱۴۰۰)

۱- حمل «جسم» بر «مداد و خودکار» به دلیل نیاز دارد.



۲- حمل «راست‌قامت» بر انسان، نیازی به دلیل ندارد.



(نهایی دی ۱۴۰۰)

۳- حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» به دلیل نیاز دارد.



۴- وجود و ماهیت در خارج از ذهن، دارای مصداق مشترکی هستند.



(نهایی دی ۹۹)

۵- میان انسان به عنوان یک «ماهیت» و «وجود»، رابطه ذاتی برقرار است.



(نهایی فرداد ۱۴۰۱)

۶- حمل مفهوم «وجود» بر هر ماهیتی از جمله انسان، نیازمند دلیل است.



(نهایی شهریور ۱۴۰۱)

۷- دلیل حمل وجود بر هر ماهیتی، از طریق حس و تجربه یا عقل محض قابل شناسایی است.



(نهایی دی ۱۴۰۱)

۸- وجود هر شیء بیان‌کننده ذاتیات آن است.



(نهایی فرداد ۱۴۰۳)

۹- در قضیه «مثلث شکل سه ضلعی است» حمل سه ضلعی بر مثلث، نیازمند دلیل نیست.



(نهایی شهریور ۱۴۰۲)

۱۰- وجود، وجه اختصاصی موجودات و ماهیت، وجه مشترک آن‌ها است.



۱۱- اگر مفهوم وجود عین ماهیت باشد، بین موجودات جهان هیچ تفاوتی دیده نمی‌شد.



- 
- 
- 
- 
- 
- 
- 
- 
- 
- 
- 
- 

- ۱۲- برای اثبات وجود هر شیئی حتماً به دلیل عقلی محض نیازمند هستیم.
- ۱۳- حمل هر مفهومی به جز ویژگی‌های ذاتی و اجزای تعریفی یک شیء بر خودش نیازمند دلیل است.
- ۱۴- از نگاه فلسفه، آب یک موجود واحد با دو مفهوم مختلف است. (نهایی فرداد ۱۴۰۲)
- ۱۵- وجود، وجه اختصاصی موجودات و ماهیت، وجه مشترک آنها است.
- ۱۶- ماهیت و چیستی هر شیء بیان‌کننده ذاتیات آن شیء است.
- ۱۷- فارابی، راه ابن سینا را در بیان نسبت میان «وجود» و «ماهیت» ادامه داد.
- ۱۸- یکی از مباحث اولیه فلسفه، درک دو مفهوم هستی و وجود و تعیین نسبت میان آنهاست.
- ۱۹- مکتب «تومیسم» هنوز هم به اسم مؤسس آن در جریان است.
- ۲۰- دیدگاه ابن سینا در مورد مغایرت وجود و ماهیت، تنها بر فلاسفه اسلامی تأثیر گذاشته است.
- ۲۱- هرگاه به هستی چیزی پی ببریم ماهیت آن نیز بر ما آشکار می‌شود.
- ۲۲- در عالم خارج، دو امر جداگانه به نام «آب» و «وجود» نداریم و آنها دو مفهوم مختلف از یک موجود واحدند. (نهایی شهرپور ۱۴۰۰)
- ۲۳- وجود و ماهیت در خارج از ذهن، دو امر جداگانه هستند و مغایرت دارند. (نهایی دی ۹۹)

**ب) جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.**

- ۲۴- توماس آکوئیناس که با فلسفه ابن سینا آشنا بود، نظریه «.....» را پایه برهان خود در خداشناسی قرار داد. (نهایی دی ۹۹)
- ۲۵- همه موجودات از نظر «وجود» با هم اشتراک دارند و اختلاف آنها از جهت ..... می‌باشد. (نهایی دی ۹۸)
- ۲۶- انسان در هر چیزی که مشاهده می‌کند، دو جنبه می‌یابد: «.....» و «.....». (نهایی فرداد ۱۴۰۱)
- ۲۷- ویژگی‌های مخصوص یک شیء را در منطق و فلسفه، ..... آن شیء می‌گویند.
- ۲۸- حمل وجود بر انسان، نیازمند دلیل است، چون وجود ..... انسان نیست. (نهایی دی ۹۹)
- ۲۹- استفاده ما از اشیای مختلف اطرافمان، نشان‌دهنده آن است که ما آنها را ..... می‌دانیم. (نهایی دی ۹۸)
- ۳۰- وقتی کسی می‌پرسد آن چیست؟ یعنی به ..... آن شیء پی برده است، اما از ..... آن بی‌خبر است. (نهایی دی ۹۸)
- ۳۱- از نگاه فلسفی «نمک طعام» (کلرید سدیم) موجودی ..... است که دو مفهوم وجود و ماهیت از آن انتزاع می‌شود. (نهایی فرداد ۱۴۰۳)
- ۳۲- تفاوت وجود و ماهیت تنها در ذهن و از حیث ..... است.
- ۳۳- این که هنگام گرسنگی به دنبال غذا می‌رویم نشان می‌دهد که در اطراف ما چیزهایی ..... وجود دارد که از آنها استفاده می‌کنیم.
- ۳۴- کودک با ..... نشان می‌دهد که به «وجود» حیوانات پی برده است.
- ۳۵- ویژگی‌های مخصوص هر چیز را در منطق و فلسفه، ..... آن چیز می‌نامیم.
- ۳۶- وجود وجه ..... و ماهیت وجه ..... موجودات است.
- ۳۷- هنگامی که سایه نامشخص چیزی را از دور مشاهده می‌کنیم، به ..... آن چیز پی برده و از ..... آن بی‌خبریم.
- ۳۸- اژدها، دیو، سیمرغ و ... از نمونه مفاهیمی هستند که از ..... اطلاعی نداریم.
- ۳۹- ذات انسان چیزی جز ..... نیست.
- ۴۰- یکی از مباحث اولیه فلسفه، درک دو مفهوم ..... و ..... و رابطه میان آنهاست.

**پ) گزینه مناسب را انتخاب کنید.**

- ۴۱- فیلسوفان غربی از طریق ابن سینا و ابن رشد، مجدداً با فلسفه ..... آشنا شدند. (نهایی دی ۹۹)
  - ۱) افلاطون
  - ۲) ارسطو
- ۴۲- کدام اصل پایه برهان وجوب و امکان ابن سینا قرار گرفت؟ (نهایی فرداد ۹۹)
  - ۱) مغایرت وجود و ماهیت
  - ۲) تقدم علت بر معلول
- ۴۳- نوع حمل در قضیه «لوزی شکل است.» با کدام یک از قضایای زیر تناسب دارد؟ (نهایی فرداد ۱۴۰۱)
  - ۱) انسان حیوان است.
  - ۲) انسان مخلوق است.
- ۴۴- در کدام قضیه، محمول از اجزای ذاتی موضوع است؟ (نهایی فرداد ۱۴۰۲)
  - ۱) آهن، فلز است.
  - ۲) آب، شور است.
- ۴۵- کدام مورد می‌تواند دلیلی بر مغایرت وجود و ماهیت باشد؟ (نهایی دی ۹۹)
  - ۱) تصور کردن مفهوم دیو
  - ۲) تشکیل آب از اکسیژن و هیدروژن
- ۴۶- محمول در کدام یک از قضایای زیر، جزء مفهوم موضوع است نه عین آن؟ (نهایی دی ۱۴۰۱)
  - ۱) مثلث شکل است.
  - ۲) مثلث شکل سه‌ضلعی است.

۴۷- نیازمندی حمل وجود بر ماهیت به دلیل، مربوط به گام ..... در شناخت وجود و ماهیت است.

(۱) سوم (۲) چهارم

۴۸- حمل ..... بر «انسان» نیاز به دلیل ندارد.

(۱) ناطق (۲) وجود

۴۹- برهان «وجوب و امکان» متعلق به کدام فیلسوف است؟

(۱) ابن سینا (۲) فارابی

(نهایی دی ۱۴۰۰)

۵۰- کودک با استفاده از کلمه «این» یا «آن»، نشان می‌دهد که به ..... اشیا پی برده است.

(۱) وجود (۲) ماهیت

۵۱- توماس آکوئیناس کدام یک از اصول زیر را در اروپا گسترش داد؟

(۱) وجوب و امکان (۲) مغایرت وجود و ماهیت

۵۲- حمل کدام مورد بر «انسان» نیازمند دلیل است؟

(۱) بشر (۲) حیوان (۳) موجود (۴) جسم

■ (ت) به سوالات زیر پاسخ کوتاه دهید.

(نهایی فرورد ۱۴۰۰)

۵۳- به ترتیب وجه مشترک و وجه اختصاصی موجودات چیست؟

۵۴- دو نمونه از رفتارهای طبیعی انسان را مثال بزنید که بیانگر وجود امور واقعی در اطراف اوست.

(نهایی شهریور ۱۴۰۰)

۵۵- چرا در حمل «شکل سه‌ضلعی» بر «مثلث»، نمی‌توان از دلیل حمل سؤال کرد؟

(نهایی شهریور ۱۴۰۱)

۵۶- یک فیلسوف مسلمان و یک فیلسوف غربی که نظریه وجود و ماهیت را پایه برهان‌های خود در خداشناسی قرار دادند، نام ببرید.

(نهایی فرورد ۱۴۰۳)

۵۷- اگر بپذیریم چیستی‌هایی، ذهنی هستند که تاکنون وجود خارجی نداشته‌اند، چه اصلی در ذهن حاصل می‌شود؟

۵۸- مکتب فلسفی تومیسیم تحت تأثیر کدام یک از فیلسوفان مسلمان بوده است؟

۵۹- انواع حمل در قضایا را نام ببرید.

۶۰- استفاده‌های ما از اشیای متفاوتی که در اطرافمان هستند، ثمره پذیرش کدام اصل فلسفی است؟

۶۱- کودک با چه سوالاتی تمایل خود را به شناخت ویژگی‌های مخصوص هر چیز ابراز می‌کند؟

۶۲- ماهیت هر شیء چه چیزی را به ما نشان می‌دهد؟

۶۳- انسان در هر چیزی که مشاهده می‌کند چه جنبه‌هایی را می‌یابد؟

۶۴- علم شیمی و علم فلسفه هر کدام از چه منظری به «آب» می‌پردازند؟

۶۵- ماهیت و وجود «آب» در ذهن انسان به چه شکلی تمایز می‌یابد؟

۶۶- چرا حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» نیاز به دلیل ندارد؟

۶۷- دو روش برای اثبات وجود داشتن ماهیت‌ها را بنویسید.

(نهایی دی ۱۴۰۰)

۶۸- نام دو فیلسوف که نظریه مغایرت وجود و ماهیت را پایه برهان خود در خداشناسی قرار دادند، نام ببرید.

■ (ث) به سوالات زیر پاسخ کامل دهید.

(نهایی شهریور ۱۴۰۱)

۶۹- تفاوت حمل «شکل سه‌ضلعی» بر «مثلث» با حمل «وجود» بر «مثلث» چیست؟ توضیح دهید.

۷۰- در قضیه «انسان دارای دو پا است» حمل محمول بر موضوع نیاز به دلیل دارد یا خیر؟ چرا؟

۷۱- گام دوم در شناخت رابطه میان «هستی» و «چیستی» چیست؟

۷۲- فلاسفه غرب چگونه توانستند مجدداً با فلسفه ارسطویی ارتباط برقرار کنند؟

۷۳- اگر مفهوم «وجود» عین مفهوم «ماهیت» بود چه مشکلی پیش می‌آمد؟

(نهایی دی ۱۴۰۱)

۷۴- تفاوت حمل «وجود» و حمل «ناطق» بر «انسان» را توضیح دهید.

۷۵- سه نمونه از مفاهیمی که تقریباً با ماهیتشان آشنا می‌شویم، اما از وجودشان اطلاعی نداریم مثال بزنید؟

۷۶- هنگامی که می‌گوییم «هستی» و «چیستی» دو جنبه از یک چیزند، منظورمان چیست؟

۷۷- دو قضیه مشابه قضیه «خودکار جسم است.» مثال بزنید. (از نظر نیازمندی بی‌نیازی به دلیل)

(نهایی فرورد ۱۴۰۲)

۷۸- از دیدگاه ابن سینا وقتی می‌گوییم «آب و وجود، دو مفهوم از یک موجود هستند.» به چه معنا می‌باشد؟ توضیح دهید.

(نهایی مرداد ۱۴۰۲)

۷۹- چرا حمل وجود بر «درخت» به دلیل نیاز دارد؟ توضیح دهید.

(نهایی دی ۱۴۰۲)

۸۰- مشخص کنید در کدام یک از گزاره‌های زیر، حمل محمول بر موضوع نیازمند دلیل است. چرا؟

(۱) شتر حیوان است. (۲) انسان مخلوق است.

۵۲. **۳ توجه:** ذاتیات انسان «حیوان» و «ناطق» هستند و ذاتیات حیوان «جسم»، «رشدکننده» و «حساس» است. پس «جسم» که از ذاتیات «حیوان» است، ذاتی «انسان» هم محسوب می‌شود و حمل آن بر انسان نیاز به دلیل ندارد.
۵۳. **وجود، وجه مشترک و ماهیت** وجه اختصاصی موجودات می‌باشد.
۵۴. استفاده از آب برای رفع عطش هنگام تشنگی و پناه‌بردن به آغوش عزیزان هنگام غم و اندوه (هر مثالی که بیان‌کننده یک رفتار روزمره و طبیعی باشد، درست است).
۵۵. زیرا «شکل سه‌ضلعی» از اجزای تعریفی مثلث و چپستی آن است و گویای ذات و حقیقت مثلث است.
۵۶. ابن سینا - توماس آکوئیناس ۵۷. مغایرت وجود و ماهیت
۵۸. ابن سینا و ابن رشد
۵۹. حمل بی‌نیاز از دلیل و حمل نیازمند به دلیل
۶۰. واقعیت‌داشتن جهان (واقعی بودن جهان)
۶۱. با سؤال «این چیست؟» ۶۲. ذاتیات آن شیء
۶۳. موجودبودن و چپستی‌داشتن (وجود و ماهیت)
۶۴. از نگاه علم شیمی آب ترکیبی از دو عنصر اکسیژن و هیدروژن است اما از نگاه فلسفی، آب موجودی واحد است که دو جنبه هستی و چپستی دارد.
۶۵. ذهن انسان از آب (که موجودی واحد است) دو معنا و مفهوم مختلف چپستی آب و هستی آب را به دست می‌آورد.
۶۶. زیرا «حیوان ناطق» بیانگر ذات و حقیقت انسان است و حمل ذات نیاز به دلیل ندارد.
۶۷. حس و تجربه - عقل محض ۶۸. ابن سینا و توماس آکوئیناس
۶۹. در عبارت «مثلث شکل سه‌ضلعی است.» حمل شکل سه‌ضلعی بر مثلث حمل ضروری است و به دلیل نیاز ندارد اما حمل وجود بر مثلث در عبارت «مثلث موجود است.»، ضروری نیست و به دلیل نیاز دارد.
۷۰. نیازمند دلیل است؛ چراکه «دارای دو پا بودن» از ذاتیات ویژه انسان نیست و به همین خاطر برای حمل آن بر انسان، نیازمند دلیل تجربی یا عقلی هستیم.
۷۱. این که هستی و چپستی (وجود و ماهیت) دو مفهوم متفاوت و مغایرند و انسان در هر چیزی که مشاهده می‌کند دو جنبه «موجودبودن» و «چپستی داشتن» را در آن‌ها می‌یابد. هم‌چنین وجود وجه مشترک موجودات و ماهیت وجه اختصاصی آن‌هاست.
۷۲. از طریق فلسفه‌ای که توماس آکوئیناس در قرن ۱۳ میلادی در اروپا پایه‌گذاری کرد که بیشتر متکی به دیدگاه‌های ابن سینا و تا حدودی ابن رشد بود.
۷۳. آن‌گاه هر ماهیت قابل‌تصوری، بلااستثنا موجود بود؛ مانند شخصیت‌های کارتونی یا موجودات افسانه‌ای (اژدها و دیو و ...) و هم‌چنین همه ماهیت‌ها عین هم می‌شدند و تفاوتی بین ماهیت‌های مختلف وجود نداشت زیرا همگی فقط وجود بودند.
۷۴. در عبارت «انسان حیوان ناطق است.» حمل حیوان ناطق بر انسان یک حمل ضروری است و به دلیل نیازی ندارد. اما حمل وجود بر انسان در عبارت «انسان موجود است.»، رابطه ضروری نیست و به دلیل نیاز دارد.
۷۵. اژدها، آدم فضایی، اسب تک‌شاخ و ...
۷۶. منظورمان این است که آن‌ها دو بخش یا دو جزء که با هم ترکیب شده باشند نیستند، بلکه دو مفهوم متفاوت از یک مصداق خارجی واحدند که ذهن در مواجهه با آن چیز به این دو مفهوم پی می‌برد.
۷۷. «انسان حیوان است.»، «مثلث شکل است.» (و مثال‌های مشابه)
۷۸. بدین معنا نیست که آن‌ها دو جزء از یک موجود هستند که با هم ترکیب یا جمع شده‌اند، بلکه از موجودی واحد دو مفهوم را به دست آورده‌ایم؛ یعنی در عالم خارج دو امر جداگانه به نام آب و وجود نداریم.
۷۹. زیرا وجود از اجزای تعریفی (ویژگی ذاتی) درخت نمی‌باشد و بیانگر ذات و حقیقت درخت نیست و از آن جدایی‌پذیر است.
۸۰. ۲ انسان مخلوق است، زیرا مخلوق بودن، اجزای تعریفی انسان نیست و چپستی او را تشکیل نمی‌دهد و بیان‌کننده ذات و حقیقت انسان نیست.

۱. غلط؛ «جسم» از ذاتیات همه اشیا و موجودات مادی است.
۲. غلط؛ اگرچه انسان موجودی راست‌قامت است اما «راست‌قامت» از ذاتیات انسان نیست. در نتیجه، حمل «راست‌قامت» بر انسان نیازمند دلیل است.
۳. غلط؛ حمل ذاتی و بی‌نیاز به دلیل است.
۴. صحیح
۵. غلط؛ حمل «وجود» بر همه ماهیت‌ها نیازمند دلیل است.
۶. صحیح
۷. صحیح
۸. غلط (ماهیت هر شیء بیان‌کننده ذاتیات آن است).
۹. صحیح
۱۰. غلط (وجود وجه مشترک و ماهیت وجه اختصاصی موجودات است).
۱۱. صحیح
۱۲. غلط (دلیل اثبات یک چیز می‌تواند حسی، تجربی یا عقلی محض باشد).
۱۳. صحیح
۱۴. صحیح
۱۵. غلط؛ وجود، وجه مشترک و ماهیت وجه اختصاصی موجودات می‌باشد، نه بالعکس.
۱۶. صحیح؛ ماهیت = چپستی = ذات
۱۷. غلط؛ ابن سینا راه فارابی را ادامه داد، نه بالعکس.
۱۸. غلط؛ هستی و چپستی، نه هستی و وجود.
۱۹. صحیح
۲۰. غلط؛ تأثیر زیادی هم بر روی فلاسفه و جریان اندیشه فلسفی در غرب گذاشت.
۲۱. غلط؛ گاهی اوقات از هستی چیزی مطلعیم اما بنا به دلایل متفاوت، از ماهیتشان اطلاعی نداریم.
۲۲. صحیح
۲۳. غلط؛ در خارج از ذهن مصداق مشترکی دارند. مغایرتشان تنها در عالم ذهن و از حیث مفهوم است.
۲۴. مغایرت وجود و ماهیت
۲۵. ماهیت
۲۶. وجود - ماهیت
۲۷. ذاتیات
۲۸. ذاتی (اجزای تعریفی)
۲۹. واقعی
۳۰. وجود (هستی) - ماهیت (چپستی) ۳۱. واحد
۳۲. مفهوم (در مقابل «مصدق» که مابازای مفهوم در یونان قارچ از ذهن است).
۳۳. واقعی
۳۴. استفاده از «این» یا «آن»
۳۵. ذاتیات
۳۶. مشترک / اختصاصی
۳۷. وجود / ماهیت
۳۸. وجودشان
۳۹. حیوان ناطق
۴۰. هستی و چپستی (وجود و ماهیت)
۴۱. ۲ فلاسفه غربی از طریق آشنایی با ابن سینا و ابن رشد مجدداً با فلسفه ارسطو ارتباط برقرار کردند.
۴۲. ۱ ابن سینا اصل مغایرت وجود و ماهیت را پایه برهان‌های خداشناسی خود قرار داد.
۴۳. ۱ حمل شکل بر لوزی، بی‌نیاز از دلیل است، چون شکل ویژگی ذاتی (اجزای تعریفی) لوزی است و حمل حیوان بر انسان هم بی‌نیاز از دلیل است. (حیوان از اجزای تعریفی انسان است).
۴۴. ۱ فلز از اجزای تعریفی یا از ذاتیات آهن است.
۴۵. ۱ چون می‌توانیم ماهیت دیو را تصور کنیم، در حالی که وجود ندارد.
۴۶. ۱ شکل یکی از ذاتیات مثلث است، ولی شکل سه‌ضلعی، خود مثلث است.
۴۷. ۲ نیازمندی حمل وجود به دلیل، گام چهارم است.
۴۸. ۱ ناطق، ویژگی ذاتی انسان است.
۴۹. ۱ برهان ابن سینا در اثبات وجود خدا، وجوب و امکان نام دارد.
۵۰. ۱ اشاره به هر چیزی نشانه پذیرش وجود آن است.
۵۱. ۲ وجوب و امکان نام برهان ابن سینا در اثبات خدا است.